سفر مردم نوسانتارا ( اندونزي) به مكه

martin van bruinessen / مترجم: ماريا تنگ. دانشجوي الهيات. رشتة فلسفة اسلام. دانشگاه تهران

در نيم قرن اخير، بر تعداد زائران و مشتاقان حج افزوده شده است. از اواخر قرن 19 و اوايل قرن 20، حجاج اندونزي مسافرت بيشتري به عربستان مي‌كنند. از سال 1920 (= 1299 ش. ـ 1338ق.)، حدود 40 در صد حجاج را حاجيان اندونزي تشكيل ميدهند. طي چندين سال گذشته، زائران اندونزي، نسبت به زائران ديگر کشورها، كه در مكه زندگي مي‌كردند، بيشتر بود و در اين ميان، مردم جاوا، در صد بيشتري را تشكيل مي‌دادند و تقريباً از سال 1860 (= 1239ش. ـ 1276ق.)، زبان مالايو به عنوان رايجترين زبان، بعد از عربي در مكه به شمار مي‌آمد.

تعداد مردم اندونزي در مكه، پيش از ساخته شدن كشتي بخار، كمتر بود؛ زيرا مسافرت با كشتي سخت و تاقت فرسا بود و زمان زيادي طول مي‌كشيد تا به مقصد برسند.

رفتن به حج براي مسلمانان اندونزي بسيار مهم بوده و به عنوان بالاترين گزينة انتخابي به شمار مي‌آمد و اين عقيده با فرهنگ سنتي مردم آسياي دور مرتبط است.

209

مكه در دنيا، به عنوان مركز علم محسوب مي‌شود

در كيهان شناسي جاوا (كه از جزاير بسيار مهم اندونزي است) و كيهان شناسي آسياي دور، مراكزي براي ارتباط دنياي عيني و جهان ماورا طبيعي؛ مانند قبر بزرگان، كوه، غار و جنگل و مكانهاي زيارتي وجود دارد كه نه تنها براي عبادت و زيارت مهم است، بلكه مركزي براي علم بوده است. گرفتن علم و به قول پادشاه ماتارام، اين مكان‌ها جايي براي در يافت وحي محسوب مي‌شدند.

بعد از اينكه مردم جاوا مسلمان شدند، مكه براي آنان، به عنوان مركزي براي كيهان شناسي به شمار ميآمد؛ زيرا مي‌دانيم كه آنجا قبلة مسلمانان بوده و قرآن بر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) در مكه نازل شده و بنابراين، اين شهر به عنوان مركز علم اسلام محسوب مي‌شده است.

به طور دقيق مشخص نيست كه مردم جاوا، در چه زمان و چه سالي به حج رفتند، اما در اواسط قرن هفدهم، پادشاهان جاوا در اين سرزمين فعاليتهاي سياسي بر ضدّ استعمار هلند را آغاز کردند.

در سال 1630، شاهان بانتن و ماتارام، به رقابت با يکديگر بر خاستند و قرار بر اين شد كه هر كدام نمايندهاي جداگانه به مكه بفرستند و براي مقام سلطان، از شريف مكه اجازه بگيرند.

آنان بر اين باور بودند كه گرفتن اذن پادشاهي از مكه براي پاد شاهي و رياست آنها يك نيروي فوق طبيعي است.

در واقع، در هيچجا گرفتن اذن براي مقام از شريف مكه، مرسوم نبود و فقط مردم جاوا معتقد بودند كه شريف مكه نسبت به همة ملل مسلمان كرامت و برتري دارد. كاروانيكه از بانتن به مكه رفته بود، در سال 1638 و كاروان ماتارام در سال 1641 به اندونزي بازگشتند.

نمايندة پادشاه بانتن، پس از باز گشت، علاوه براينكه مقام پادشاهي را از شريف مكه گرفته بود، هدايايي نيز براي پادشاه به همراه آورد. براي نمونه، تكه‌اي

210

از پارچة كعبه را آورده بود که براي آنها به عنوان حرز به شمار مي‌آمد.

تاريخ بانتن گواه آن است که در قرن هفدهم، حج براي مردم اين ديار، نه تنها مسألهاي عبادي، كه يك فعاليت سياسي بر ضدّ استعمار هلند نيز بوده است.

در زبان مالايو نقل مي‌كنند كه بنيانگذار اسلام در بانتن، پادشاهي به نام سونان گونونگ جاتي، در جاواي غربي بوده است. او و فرزندش، پيش از سفر حج، در چند مكان، كه به عقيدة آن ها مقدس بوده، معتكف شدهاند. در تاريخ آمده است كه حج براي آن دو، سفري معمولي نبوده است.

آقاي حسن الدين حكايتي را كه مربوط به سفر سونان گونونگ جاتي به حج و دعوت از فرزندش به همراهي با وي در اين سفر است، چنين نقل ميکند:

«فرزندم! اكنون موسم حج است. بيا ما نيز به حج برويم و تو به عنوان مريد در آنجا بمان و از استاد اطاعت کن».

پس از اين كه فرزندش را نصيحت كرد، او را با خود به مكه برد و وقتي به مسجد الحرام رسيدند، به وي آموخت که طواف كند و حجرالاسود را ببوسد. بعد از طواف و به جا آوردن اعمال حج، فرزند سونان گونونگ جاتي به مدينه رفت و در آنجا علم كامل فرا گرفت و با فرقة نقشبنديه وارد شد.

در گذشته بعضي بر اين باور بودند كه افرادي مانند شيخ محيالدين، از راه كوچهاي تنگ و با بار و بنه اندک و با نيروي فوق طبيعي، از جاوا به حج رهسپار شده است. باور ديگر بر اين است كه در شهري به نام «چي بو لو كن» در بانتن، چاهي وجود دارد كه با چاه زمزم در مكه مرتبط است و مولانا منصور از طريق اين چاه به مكه مي‌رفته است!

اكنون نيز بعضي از علما به اين موضوع باور دارند و در هر جمعه، کنار اين چاه حضور مييابند و نماز ميگزارند و بر اين عقيده‌اند كه نماز خواندن در کنار اين چاه، حكم نماز در مسجد الحرام را دارد!

اين مطالب، نشان مي‌دهد كه نقش حج و ارتباط با مكه، به عنوان مركزي براي

211

علم و فعاليتهاي سياسي، براي مردم جا وا، بسيار مهم است. در اندونزي رفتن به چند مکان، حكم رفتن به مكه را دارد. براي نمونه، مردم شهر كونينگان... معتقدند هركس سه مرتبه به كوه چيرماي برود، ثواب آن، مانند رفتن به مكه است. باور مردم مادورا نيز آن است که هركس توان رفتن به مكه را ندارد، كافي است كوه سنگي امپر را زيارت كند تا از ثواب مكه برخوردار شود. و همين باور و اعتقاد، در شمال جزيرة سولاوسي در مورد رفتن به كوه.... در روز عيد قربان، وجود دارد.

حج، عملي عبادي ـ فرهنگي

حج در نظر مردم اندونزي، علاوه بر اينكه عملي عبادي است، در آموزش علم نيز داراي نقش اهميت فراوان است.

مكه و مدينه، براي مردم اندونزي، جايي است براي جستجوي خالق هستي و آموختن علوم اسلامي.

آيين اسلام، در قرن 17م. از عربستان و هندوستان، به اندونزي واردشد. با اين‌كه مردم اندونزي در قبول اسلام، از هندوستان نيز تأثير پذيرفتند، اما شهرهاي مكه و مدينه براي آنها اولين و مهمترين مكانهاي مذهبي محسوب مي‌شود.

اکنون به نام افرادي اشاره مي‌كنيم كه براي حج‌گزاردن و نيز آموختن علم، به مكه سفر كردند:

ـ شيخ يوسف مكسري، در سال 1649 به مكه رفت و در سال 1670 به اندونزي باز گشت. او در مكه، از محضر علماي بسياري به خصوص در زمينة تصوّف علم آموخت و مدرك فرقة خلوتيه (از طريقتهاي مهم تصوف) را گرفت و اجازه يافت در مورد اين طريقت، در اندونزي تدريس كند.

ـ عبد رئوف اسنكلي، عالم ديگري است كه در مكه درس دين آموخت. او نيز مانند يوسف مكسري، در مکه تصوف را آموخت و به اندونزي باز گشت. عبد رئوف اسنکلي در اندونزي مبلّغي براي طريقت شتريه شد و تفسير جلالين را ترجمه

212

و ويرايش كرد. افراديكه در مكه علوم اسلامي را مي‌آموختند، به اندونزي بر مي‌گشتند و به ديگران آموزش مي‌دادند و همواره ارتباط خود را با علماي مكه حفظ مي‌كردند.

در سالهاي 1852 تا 1858 (= 1231 تا 1237ش.)، تنها نيمي از حجاجي كه از آسياي دور به مكه رفته بودند، ميتوانستند بازگردند. حتّي هلندي‌ها نيز، كه در آن زمان حكومت اندونزي را در دست داشتند، به اين مطلب اشاره كرده‌اند. حدس آنها بر اين بوده كه اين حجاج، در آنجا از دنيا رفته و يا به عنوان برده فروخته شده است.

خود عبدالله، چند روز پس از آنكه به مكه رسيد، از دنيا رفت و نتوانست كتابش را که در حال نوشتن بود، به پايان برساند.

زماني كه علم پزشكي پيشرفت كرد، آمار مرگ و مير روز به روز كمتر شد و از سال 1930 (= 1309 ش.) اين تعداد، به 10% کاهش يافت.

افراد بسياري نيز براي آموختن علم، در مكه مي‌ماندند و اين تعداد در اواسط قرن 11 رو به فزوني بود. در سال 1931.... ( مأمور كنسولگري هلند در جده) اينگونه مينويسد: از 30000 نفر حاجي اندونزيايي، تقريباً 10000 نفر در مكه ماندهاند.

در سال 1869 (= 1275 ش.) راه رفتن به جده از جاوا يا سنگارپور، با كشتي بخار گشوده شد و مسافرت با كشتي از اين راه بسيار آسان گرديد و مردم بيش از گذشته، به سفر حج مشرّف شدند.

به دنبال استقبال مردم اين سرزمين از سفر حج و تحوّل روحي در ميان آنان، هلندي‌ها ‌ترسيدند و از طرق مختلف براي رفتن مردم به حج، محدوديت ايجاد كردند. بيم آنها از اين بود كه تعصب مسلمانان در اثر اين سفرها، نسبت به دين و سرزمينشان، دو چندان شود و هنگام باز گشت براي از بين بردن استعمار هلند، دست به قيام و انقلاب بزنند. در نتيجه شرايط سفر با كشتي را دشوار كردند؛ ليکن با اين حال، بر تعداد مردم زائر، روز به روز افزوده مي شد. آماري كه كنسولگري

213

خارجي در جده، ارايه کردهاند نشان مي‌دهد كه تعداد مردم اندونزي در سفر حج بيش از كشور‌‌هاي هند، مصر و تركيه بوده است.

حج، مسافرتي طولاني و همراه با خطر

پيش از ورود كشتي بخار به اندونزي، مسافرت حج با كشتي معمولي انجام مي‌گرفت. وضعيت فصل نيز در اين مسافرت مؤثر بود؛ معمولاً حجاج با كشتي تجاري به مكه مي‌رفتند و در راه مجبور بودند كه چندين مرتبه كشتي خود را عوض كنند. کشتي ازچند بندر عبور مي‌كرد تا سر انجام بهآچه ميرسيد. بندر آچه نخستين بندربراي رفتن به مكه وآخرين بندر براي برگشتن بهاندونزي بودكه به سرامبي(ايوان) مكه شهرت داشت؛ زيرا كه آن زمان آچه دروازة ورود اسلام به اندونزي و همچنين محل عبور و مرور به مكه بود.

حجاج از آچه به هند، از هند به حضرموت و از آنجا به يمن و از يمن به جده مي‌رفتند، اين مسافرت 6 ماه و گاه بيش از اين، به طول مي‌انجاميد و حجاج در طول اين مدت، گاهي در معرض طوفان قرار مي‌گرفتند و به جزاير نا شناخته كشيده مي‌شدند. گاهي وسايل و لوازم آنها در دريا غرق و يا به وسيلةكارگران كشتي دزديده ميشد. البته خطر دزدان دريايي و همچنين مردمان بدوي در خود خشكي كه جان و مال مسافران را به خطر مي‌انداختند، را نبايد ناديده گرفت.

علاوه بر اينها، بسيار پيش مي‌آمد كه حجاج در ميان راه مريض مي‌شدند. به هر حال، رفتن به حج در آن زمان كار سهل و آساني نبود.

عبد الله بن قدير مونشي، نخستين سفرنامه نويس حج در ادبيات مالايو،كه در سال 1854 به حج رفته بود، مينويسد: در مورد خطرات و مشكلات سفر حج با كشتي، كه وقتي كشتي به درياي سيلان (سريلانكا ) نزديك شد، باد شديدي وزيد، خدا...، خدا، فقط خدا مي‌داند امواج تا چه حد بزرگ بود! دلم مي‌خواست به شكم مادرم بر ميگشتم و نميديدم! امواج دريا از راست و چپ، خود را به كشتي

214

مي‌كوبيدند. همة و سايل بار و بنه مسافران به اطراف پراكنده مي‌شد. آب دريا به كشتي مي‌ريخت و حجاج خيس شده بودند. در آن هنگام هر کس به فكر خود بود، همگي احساس مي‌كردند که موج دريا بسيار بلند‌تر از كشتي است! حتي زمانيكه نماز مي‌خواندند، دوشادوش همديگر قرار مي‌گرفتند. آب، داخل كشتي مي‌شد و حتي جرأت بالا آوردن هم نداشتند. مسافران دلشان مي‌خواست گريهكنند ولي اشك نميآمد و فقط فرياد مي‌زدند و خدا را مي‌خواندند. از سوي ديگر، ناخدا همه را مي‌ترساند و مي‌گفت: در اين محل بار‌ها اتفاق افتاده كه كشتي‌ها به همراه مسافرانش گم شده‌اند!

سفر به حج با كشتي بخاري

مردم اندونزي، هر سال پيش از آغاز ماه رمضان، به سفرحج مشرف مي‌شدند. چرا كه هدف آنها اقامة نماز تراويه در مسجد الحرام بود (و بيشتر آنها 4 يا 5 ماه در مكه زندگي مي‌كردند و بعد به حجاز مي‌رفتند و بعد از انجام مراسم حج، براي زيارت مقام پيامبر به مدينه مي‌رفتند و در سخنرا ني شركت مي‌كردند. بعضي از آنها به زبان عربي مسلط نبودند اما مشكل زيادي هم نداشتند؛ زيرا سخنرانان، اهل ‌اندونزي بودندكه سالهاي زيادي در آنجا اقامت داشتند و به زبان مالايو (زبان رسمي اندونزي) سخنراني مي‌كردند و در آن زمان، مردم جزاير مختلف اندونزي؛ مانند: جاوا، نوسا تنگارا، مالوكو، سولاوسي سلاتان، كاليمنتان، سوماترا و آچه گردهم مي‌آمدند و به راحتي، با هم مباحثة علمي و سياسي مي‌كردند؛ به خصوص عليه استعمار هلند و اخبار ديگر كشورهاي مسلمان را به راحتي كسب مي‌كردند.

و همين افراد واسطه مي‌شدند كه پيامهاي ضد استعماري را به مردم اندونزي، كه موفق نشدند در حج شركت كنند، برسانند.

مردم هند در سال 824 مدسة شولاتيه را در مكه بنا كردند. از اين طريق اطلاعاتي در مورد كوششهاي مردم هندوستان عليه استعمار انگلستان كسب

215

مي‌كردند. مردم اندونزي هم در اين مدرسه درس مي‌خوا ندند و در جريان فعاليتهاي ضد استعماري نيز قرار مي‌گرفتند.

پس از اينكه تعداد مردم اندونزي زياد شد، آنها مدرسة دارالعلم را در مكه ساختند و اين مكان به عنوان حوزة مهمي براي دانشمندان اين كشور محسوب مي‌شود.

سفر حجاج اندونزي در دورة كنوني

همانطور كه اشاره شد، در زمانهاي گذشته، حج براي مردم اندونزي معناي گستردهاي داشت و فقط عملي عبادي به شمار نميآمد. حج به وسيله‌اي براي كسب اطلاعات و اتحاد مسلمانان اندونزي محسوب مي‌شد. مكه نه تنها به عنوان قبلة مسلمانان، بلكه مركز مهمي براي فعاليتهاي ديني نيز بود. اما امروزه حج چگونه است؟ آيا مكه هنوز هم به عنوان مركز مهمي براي مردم اندونزي به حساب مي آيد؟ روشن است كه امروزه پيشرفت فنآوري و حمل و نقل مدرن، وضعيت خوبي براي انجام اين عبادت فراهم كرده است. البته طواف دور كعبه و مراسم روز عرفه، همواره براي مسلمانان مهم بوده و امروز هم انجام مي‌شود، اما آيا حج هنوز به عنوان يك هدف سياسي ـ اجتماعي براي مسلمانان در نظر گرفته مي‌شود؟ آيا حج هنوز هم مركزي براي كسب اطلاعات از مسلمانان ديگر كشورها؛ مانند هندوستان، پاكستان، ايران، افغانستان، تركيه و ديگر كشور‌‌هاي عرب محسوب مي‌شود؟ به نظر مي‌رسد به علت پيشرفت صنعت و تكنولوژي، هدف اجتماعي حج گم شده است. حجاج اندونزي با هواپيما به حج مي‌روند و فقط چند هفته در مكه و مدينه با ديگر مردم اندونزي مي‌مانند. با مسلمانان ديگر كشورها ارتباط چنداني ندارند و در اين مدت كوتاه، فرصتي براي آموختن علوم اسلامي باقي نميماند. اگر امروزه اطلاعاتي در مورد ديگر كشور‌‌هاي مسلمان دارند، از طريق سيستم اطلاعاتي مدرن است نه سفر حج. براي نمونه، حادثه وخونريزي كه درسال 1988 در مكه رخ داد، تنها تعداد

216

اندكي از حجاج اندونزي از آن آگاهي يافتند؛ زيرا بيشتر زائران در هتل مي‌ماندند و از اتفاقات بيرون آگاهي نداشتند.

در ده سال اخير، تفكرات دانشمندان برجستة اسلامي؛ مانند (آقايان): حسن البنا، ابو العلا مودودي، مرتضي مطهري، علي شريعتي، يوسف قرضاوي، سيد حسين نصر و فضل الرحمان از طريق مكه و سفر حج به اندونزي نرسيده، بلكه اطلاع رساني مدرن وسيله‌اي براي انتقال افكار اين دانشمندان به كشور‌هاي مسلمان شده است. امروزه حتي از طريق اروپا و آمريكا نيز تفكرات اسلامي به جا‌‌هاي ديگر منتقل مي‌شود. درست است كه مدرسة دارالعلوم به عنوان مدرسه‌اي دولتي، هنوز هم در مكه وجود دارد و دانشجو مي‌پذيرد و مدرسان مشهوري مانند محمد بن علوي المالكي آنجا تدريس مي‌كنند، اما در مقايسه با علماي نيم قرن گذشته، نقش آنان كمرنگ‌ است. امروزه سفر حج فقط محدود به عبادت شده و بعضي فقط براي كسب شهرت و وجهة اجتماعي به حج مي‌روند و ديگر به عنوان موتور حركت اسلام در اندونزي